



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

۳۱

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۲ ژانویه ۲۰۰۸ - ۱۲ دی ۱۳۸۶

سال نو سال آزادی و برابری

سوسیالیسم است. نجات انسان ها!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری
www.wupiran.com WUP 2008

سال نو را تبریک میگوئیم!
کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا
تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های
بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن
یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود
انسان، ضروری و میسر است.
سال نو را به سال پیروزی کمونیسم کارگری
و ساختن یک دنیای بهتر تبدیل کنیم!

یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

در باره تاکتیک اعتصاب غذا
در فرهنگ سیاسی مسلط که بخشا
میراث سنتهای قدیمی و اجتماعا منسوخ
است، روشهای مبارزه سیاسی و تاکتیک
ها بخشا ثابت مانده اند. یکی از این
روشها اعتصاب غذا است. فرض
عمومی و اعلام نشده فرهنگ سیاسی
جاری اینست که اعتصاب غذا هم روش
و تاکتیکی است مانند تظاهرات یا تحصن
یا کم کاری یا اعتصاب و غیره. آیا واقعا
اینطور است؟ اولین سوال اینست که چرا
مثلا اعتصاب کارگری که اشکال
قدرتمند و رادیکال آن نفس ها را در
سینه بورژواها حبس میکند، امید و
اعتماد بنفس در جامعه می آفریند، اما
اعتصاب غذای تعدادی معترض و از
جان گذاشته، فردی یا جمعی، تنها ترحم
و دلواپسی اطرافیان و یاس را ایجاد
میکند؟ سوال دیگر اینست آیا روشها و
تاکتیکهای جنبش چپ و سوسیالیستی با
روشها و تاکتیکهای جنبش اسلامی و
دست راستها یکی است؟ آیا سنتهای
مختلف اجتماعی و طبقاتی روشهای
مبارزه شان یکسان است؟ کارگر و
بورژوا، کمونیست و سوسیالیست و
لیبرال و مذهبی به یک روش مشترک
اعتراض میکنند؟

سال نو مبارک!

علی جوادی

صفحه ۲

**نگاهی به جامعه،
نگاهی به اوضاع سیاسی، نگاهی به حزب**

آنر ماجدی

صفحه ۴

**اعتراض پیشرو دانشجویی در
تقابل با سنت و سرکوب**

کامیار آزادمهر

صفحه ۷

**"پایان دادن به تروریسم
کار ماست"**

در حاشیه ترور بی نظیر بوتو

صفحه ۳

**خانواده های دانشجویان
دستگیر شده روز شنبه
۱۵ دی در مقابل
"دادسرای دادگاه انقلاب"
تجمع میکنند!**

صفحه ۹

کنیا، دمکراسی فرقه ای

سیاوش دانشور

صفحه ۱۳

**سپاه پاسداران خطاب به که مینویسد؟
"حقیقت تلخ" و شیرین 16 اندر!**

آنر ماجدی

صفحه ۱۰

در صفحات دیگر؛ حمایت کارگران فلز کرمانشاه از دانشجویان، ... نامه ها و ستون آخر.

ممکن است مطرح شود که اعتراض و
تظاهرات و اعتصاب را همه جنبشها
اتخاذ میکنند، مهم اینست که هر کسی در
این اعتراض چه میخواهد و چه میگوید؟
کاملا درست است اما این استدلال در
مورد اعتصاب غذا صدق نمیکند.
تظاهرات نیروهای دست راستی و
اسلامیون تروریست را با خواست مثلا
حمایت از بوش یا ایجاد قوانین شریعه را
نمی توان با تظاهرات
صفحه ۸

سال نو مبارک!



علی جوادی

مردم آزادیخواه!

از جانب حزب اتحاد کمونیسم کارگری فرا رسیدن سال ۲۰۰۸ را به همه شما تبریک میگویم. امیدوارم که سال جدید سالی سرنوشت ساز و موفق در زندگی تمامی انسانهایی که برای یک زندگی بهتر، برای آزادی، برابری، رفاه و سعادت همگان مبارزه میکنند، باشد.

سال گذشته سال پر تلاطمی در ایران بود. رژیم اسلامی با وحشیگری تمام آمد که بزند و قلع و قمع کند. دستگیر کرد. زندانی کرد. اعدام کرد. اما نتوانست مقاومت و اعتراض مردم را در هم بکوبد. نتوانست مرعوب کند. یکبار دیگر مردم با مقاومت و اعتراضشان نشان دادند که سیاست سرکوب و ارباب پاسخگوی اعتراضات جامعه نیست و سرنوشت انقلابی رژیم اسلامی همچنان در دستور روز جامعه قرار دارد. اعتراضات گسترده ۱۶ آذر با پرچم آزادی و برابری و سوسیالیسم یک نقطه عطف در تحولات سیاسی و پایانی درخشانی در اعتراضات سال ۲۰۰۷ بود.

سال جدید میتواند سال تاریخسازی در تحولات سیاسی جامعه باشد. جمهوری اسلامی رفتنی است. این را دیگر کودن ترین مدافعان خود این حکومت نیز فهمیده اند. اما باید ملزومات پیروزی را فراهم کرد. تامین رهبری جنبش سرنوشت طلبانه توده های

مردم در راس این ملزومات قرار دارد. و این کار ماست! طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری باید تضمین کنند که مبارزه برای بزیر کشیدن رژیم نکتتبار اسلامی هرچه گسترده تر، سازمان یافته تر، هدفمندتر و قدرتمندتر به پیش رود و هرچه سریعتر و کم مشقت تر به نتیجه برسد. اگر ما در این مبارزه پیروز شویم آنگاه شاهد برپایی فوری جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی خواهیم بود. جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. یک جامعه سوسیالیستی!

مردم آزادیخواه!

جامعه ایران در آستانه تحولات تاریخسازی قرار گرفته است. این فرصت فراهم شده است تا کارگر و کمونیسم نمونه شکوهمندی از یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی را در ایران بنا کنند. برای ایفای این نقش، برای سازماندهی و رهبری یک انقلاب عظیم علیه جمهوری اسلامی و سرمایه به میدان بیایید.

علی جوادی

دبیر کمیته مرکزی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

به اعتصاب غذای خود پایان دهید!

پیام به دانشجویان زندانی

رفقای عزیز

نزدیک به بیست و چهار روز است که از دستگیری شما دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب میگذرد. ما میدانیم که شما عزیزان در چه شرایط سخت و ضد انسانی قرار دارید. هر کدام از ما کمونیستها دهها تن از بهترین عزیزان خود را در زندانهای رژیم اسلامی، در میدانهای تیر و یا در نبردهای نظامی رو در رو با جمهوری اسلامی از دست داده ایم. ما میدانیم! شکنجه جسمی و روحی شریف ترین انسانهای آزادیخواه یک رکن تفکیک ناپذیر حاکمیت رژیم اسلامی است. این رژیم اعدام و شکنجه و ترور و زندان و سنگسار است. بدون سرکوب دو روز قادر به دوام نیست.

اما امروز با خبر شدیم که تعدادی از شما عزیزان و از جمله سعید حبیبی و بهروز کریمی زاد در اعتصاب غذا بسر میبرند. از جانب حزب اتحاد کمونیسم کارگری از شما درخواست میکنم که به اعتصاب غذای خود پایان دهید. جان و سلامت تک تک شما عزیز است. از نقطه نظر ما یک رکن مبارزه در زندان تلاش برای جلوگیری از اعمال هر گونه صدمه فیزیکی و روحی به زندانی توسط رژیم اسلامی است.

مبارزه برای آزادی تمامی شما، تمامی کارگران دستگیر شده و زندانیان سیاسی یک بخش اساسی از فعالیت سیاسی ماست.

علی جوادی

دبیر کمیته مرکزی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۷ دی ۱۳۸۶ - ۲۸ دسامبر ۲۰۰۷

اکنون که شما در اسارت این آدمکشان اسلامی تحت شدیدترین فشارها قرار دارید، بسیاری از نیروهای کمونیست و آزادیخواه و مخالف جمهوری اسلامی به فراخوان جوانان

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمک مالی کنید!

یک دنیای بهتر را بدست دوستانتان برسانید!

"پایان دادن به تروریسم کار ماست"

در حاشیه ترور بی نظیر بوتو

بشری میکند، از بین برد. با افشای مذهب، قوم پرستی، نژاد پرستی و هر ایدئولوژی منحنی که برای انسان احترام قائل نیست. پاسخ ما مبارزه برای ایجاد جوامع باز و آزاد و برابر است که در آن آدمیزاد و جان و حرمت و آسایشش ارزش داشته باشد... احزابی نظیر ما، با هردو سوی این مسابقه تروریسم مقابله میکنند. با دولتهای مرتجع و با جنبشها و احزاب مرتجع. اما فعلا چهره جهان را آنها ترسیم میکنند. ما و احزابی نظیر ما، باید بشریت نوعوست و آزادیخواه را علیه کل این اوضاع به میدان بکشیم. و تا چنین نشده، این بساط ادامه دارد." (منصور حکمت)

فراخوان حزب اتحاد کمونیسم کارگری به طبقه کارگر و مردم اینست که به میدان بیایید و دنیا را خود بدست بگیرید. باید جهان را از دست بمب گذار ها و ژنرالها درآورد!

**مرگ بر تروریسم!
آزادی، برابری، حکومت
کارگری!**

حزب اتحاد کمونیسم کارگری
۲۷ دسامبر ۲۰۰۷ - ۶ دی ۱۳۸۶

داخلی و کشمکش جریانات اسلامیستی و دولتی و محافل امنیتی پاکستان نزدیکتر خواهد کرد. واقعیت این است تا زمانیکه جهان در کنترل دولتها و جریانات تروریست و ارتجاعی قرار دارد، هر عملیات تروریستی زمینه ساز و توجیه گر عملیات تروریستی از سوی دیگر است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری این سیکل جنایت تروریستی را محکوم میکند. ما علیه هر دو سوی این مسابقه تروریستی هستیم. ما برای برچیدن بساط هر نوع تروریسمی مبارزه میکنیم. "پایان دادن به تروریسم کار ماست. کار مایی که برای برابری حقوق و حرمت انسانها و به کرسی نشاندن ارزش آنها تلاش میکنیم. تروریسم دولتی را با بزیر کشیدن دولتهای تروریست باید خاتمه داد. تروریسم غیر دولتی را باید با پایان دادن به مشقات و تبعیضات و استعمار و اختناق که انسانها را به استیصال سوق میدهد و قربانی جریانات و سازمانهای مرتجع ضد

احتمالات متعددی میتواند وجود داشته باشد. محافل گوناگونی در ارتش و دولت پاکستان میتوانند عامل این کشتار باشند. اما این عملیات بیشتر مهر و نشان اسلامیستها را بر خود دارد. انتحاری بودن عملیات و تهدیدات قبلی، جریان القاعده و اسلامیستها را در راس متهمین قرار میدهد.

این اقدام تروریستی زمینه ساز عملیات تروریستی دیگر خواهد شد. هیات حاکمه و دستگاه تبلیغاتی و میلیتاریستی آمریکا و متحدینشان در پاکستان میکوشند از این ماجرا برای تحکیم خط سیاسی "جنگ طولانی علیه تروریسم" بهره برداری کنند. در پی "انتقام" تلاش میکنند این جنایت را سکویی برای پیشبرد و گسترش عملیات تروریستی از نوع خود قرار دهند. اسلامیستها مستقیم و غیر مستقیم از این رویداد برای قدرتمندی و ابراز وجود بیشتر خود استفاده خواهند کرد. این اقدام تروریستی یک گام دیگر جامعه پاکستان را به جنگ

عملیات تروریستی در پاکستان و کشته شدن بیست و چند نفر از جمله بی نظیر بوتو یک واقعه حاشیه ای در متن تحولات سیاسی جوامع کنونی نیست. گوشه ای از واقعیت هر روزه ای است که تروریسم بر بخش گسترده ای از جوامع بشری تحمیل کرده است. در عراق هر روزه نزدیک به صد نفر در جنگ تروریستها کشته و تکه تکه میشوند. بیش از یک میلیون نفر تاکنون جان خود را در جنگ تروریستی آمریکا و تقابل دستجات تروریستی از دست داده اند. در فلسطین هر هفته چندین نفر زیر بمباران و موشک باران ارتش اسرائیل جان خود را از دست میدهند. در ایران دولتی با تمام امکاناتش مردم را هر روزه تروریزه میکند. سازمانها و دولتهای تروریستی، اعم از اسلامی و غیر اسلامی، تروریسم را به گوشه ای ثابت از زندگی مردم تبدیل کرده اند.

هنوز تمام حقایق مربوط به این اقدام تروریستی روشن نشده است.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه خواهان آزادی دانشجویان زندانی شد!

سایت اتحاد: روز شنبه ۱۰/۸/۸۶ فعالین انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه با نصب پارچه نوشته در مقابل دانشگاههای رازی، مامائی و پیراپزشکی، علوم انسانی و آزاد واحد کسری در کرمانشاه از مطالبات دانشجویان حمایت کرده و خواستار آزادی فوری آنها شدند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری به کارگران برق و فلز کار درود میفرستد. کارگران بخشهای مختلف ضروری است به طرق مختلف حمایت طبقه کارگر را از دانشجویان و خواست آزادی آنها، فعالین کارگری، و کلیه زندانیان سیاسی اعلام کنند.



سرنگون باد جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۷ دسامبر ۲۰۰۷ - ۶ دیماه ۱۳۸۶

نگاهی به جامعه، نگاهی به اوضاع سیاسی، نگاهی به حزب



های خانواده های دانشجویان زندانی، دانشجویان در داخل کشور و جنبش همبستگی در خارج کشور مسیر را نشان داده است. باید این مبارزات را ادامه داد.

جمهوری اسلامی را باید شدیداً زیر فشار گذاشت، بنحوی که متوجه شود در اسارت نگاه داشتن این فعالین به زیانش است.

یکی از اقدامات بسیار مهم و مثبت متشکل شدن خانواده های زندانیان است. این پدیده خود گواه دگرگون شدن فضای حاکم بر جامعه است. سازماندهی توده ای در اشکال و ظرف های مختلف برای آزادی زندانیان سیاسی باید بعنوان یک سیاست اصلی پی گرفته شود. همین واقعیت که دستگیری ده ها تن از دانشجویان بدنال فعالین کارگری و جنبش حقوق زن، نه تنها جامعه را به سکوت نکشاند، ارباب ایجاد نکرد، بلکه برعکس به مبارزات وسیعتری دامن زد، بیانگر تحولات مهمی در جامعه و مناسبات مردم با رژیم است. این جوش و خروش و مومنتوم را باید حفظ کرد و گسترش داد.

یک دنیای بهتر: در حال حاضر در خارج کشور کمپین های متعددی براه افتاده است. آیا نباید سیاست "انتلافی" در قبال این کمپین ها دنبال کرد؟ ملاحظات عمومی در این زمینه کدامند؟ اولویتها کدامند؟ این تحولات هنوز در محدوده "چپ" صورت میگیرد. چگونه چپ و کمونیسم کارگری میتواند پرچمدار مبارزه ای اجتماعی برای آزادی زندانیان سیاسی شوند؟

آنر ماجدی: بستگی به این دارد که منظور از سیاست انتلافی چه باشد. تشکیل جبهه ای از سازمان های اپوزیسیون؟ یا تلاش برای دخیل کردن آنها در مبارزه برای آزادی دانشجویان و کلیه زندانیان سیاسی؟ شق دوم آن سیاستی است که باید دنبال کنیم. ما باید بکوشیم کلیه فعالین اپوزیسیون و از آن فراتر ایرانیان مقیم خارج کشور را به این مبارزه بکشانیم. باید یک مبارزه گسترده را سازمان دهیم. طی

صفحه ۵

سرخ با شعار آزادی و برابری و صف منظم زنان و مردان جوان در تمام دنیا پخش گردید.

تنها شعارها نبود که متفاوت بود، حضور وسیع زنان جوان در این تجمعات نشان از یک گرایش دیگر داشت. تمام شئون این تجمعات متفاوت بود. رژیم اسلامی بهمراه دنیا از این نمایش قدرت یکه خورد. این تجمعات نشان داد که اگر بختک رژیم اسلامی حتی یک روز از بالای سر جامعه برداشته شود، چه نسیمی از آزادیخواهی، برابری طلبی، مدرنیسم و سکولاریسم در ایران به نمایش خواهد آمد. عکس العمل تند رژیم برای تعرض بیشتر به فعالین دانشجویی و قرار دادن آنها زیر شکنجه های شدید، خود گواه هراس جمهوری اسلامی از قدرت آزادیخواهی، برابری طلبی و چپ در جامعه است.

16 آذر جامعه و مناسبات میان مردم و رژیم را وارد مرحله نوینی کرد. فضای نامه های ملتسانانه پیشین برای آزادی برخی از دستگیرشدگان جای خود را به تعرض برای آزادی زندانیان و مقابله برای آزادی زندانیان سیاسی داد. اکنون ما با شرایط تحول یافته ای روبرویم. باید کوشید که این فضا و مومنتوم را زنده نگاه داشت. تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی را با تمام قوا به پیش برد. در همان حال باید خود را برای حملات متقابل رژیم نیز آماده کرد. برای مقابله با یک دور دیگر سرکوب خشن. این مساله منتفی نیست و باید برای آن آماده بود.

یک دنیای بهتر: مبارزه برای آزادی دانشجویان و کارگران و فعالین حقوق زن دستگیر شده اکنون به یک عرصه مهم در مبارزات مردم برای عقب راندن رژیم اسلامی تبدیل شده است. گرهی ترین اقدامات در این راستا برای پیشروی کدام است؟ چه باید کرد؟

آنر ماجدی: سازماندهی یک مبارزه متحد و متشکل در داخل ایران و در سطح بین المللی و وارد آوردن یک فشار دائم سیاسی بر رژیم اسلامی موثرترین راه است. طی همین مدتی که از دستگیری دانشجویان میگذرد، تلاش

یک دنیای بهتر: خطر جنگی که تخاصم دو قطب تروریستی در بالای سر جامعه قرار داده بود کمتر شده است اما بجای آن "خطر" گسترش اعتراض رادیکال و آزادیخواهانه مردم در بالای سر رژیم بیشتر شده است. کلا نقش و جایگاه اعتراضات دانشجویان در تحولات جاری در جامعه را چگونه می بینید؟ آیا ورق برگشته است؟ دور تعرض مردم است؟

آنر ماجدی: بالا گرفتن خطر جنگ و اعمال تحریم اقتصادی به رژیم بهانه ای برای تشدید و گسترش سرکوب داد. دستگیری فعالین کارگری، جنبش حقوق زن و دانشجویان مدتی پیش از 16 آذر اوج تازه ای گرفته بود. رژیم اسلامی داشت خود را برای 16 آذر آماده میکرد! با دستگیری فعالین دانشجویی و با تلاش برای ایجاد فضای سرکوب و خفقان میکوشید 16 آذر را بی خطر از سر بگذارند. لیکن این بار با مقابله سازمانیافته دانشجویان روبرو شد.

علیرغم دستگیری تعدادی از فعالین شناخته شده دانشجویی پیش از 16 آذر، دانشجویان یک نمایش وسیع قدرت در شهرهای مختلف بمدت یک هفته سازمان دادند. روشن است که رژیم اسلامی می پنداشت تمهیدات لازم برای ممانعت از شکل گیری چنین اعتراضی را بکار بسته است. رژیم اسلامی بهیچوجه انتظار چنین نمایش قدرتی را نداشت. نیروهای آزادیخواه، برابری طلب و چپ درون دانشجویان با این نمایش قدرت قوی، متحد و سازمان یافته نه تنها رژیم اسلامی، بلکه سایر جریانات دانشجویی، جامعه و رسانه های بین المللی را شگفت زده کرده بودند. لحن ها بروشنی در انعکاس گزارشات این واقعه تغییر یافته بود. این بار نه تحکیم وحدت و گرایشات ملی - اسلامی، بلکه نیروهای آزادیخواه و برابری طلب و چپ در جلوی صحنه قرار داشتند. بسیاری از رسانه ها لکنت زبان گرفتند. زبانشان را گاز گرفتند. با این حال عکس های باشکوه پلاکاردهای

از سایت و وبلاک حزب دیدن کنید؛

www.wupiran.com

www.for-abetterworld.com

<http://for-abetterworld.blogfa.com>

تمام فلاسفه جهان را تفسیر کرده اند،

حال آنکه مسئله برسر تغییر آنست!

کارل مارکس

نگاهی به جامعه، نگاهی به اوضاع سیاسی، نگاهی به حزب...

یک تر خیالی است.

آمریکا در صدد عقب نشاندن رژیم اسلامی و ایجاد یک توازن قوای جدید با اسلام سیاسی در منطقه است. بدنبال جنگ افغانستان، عراق و این توازن قوا را تغییر دهد. بند و بست با بینظیر بوتو و اعمال فشار بر مشرف برای اجازه ورود دادن به بوتو یکی از این تمهیدات بود که با ترور بینظیر بوتو عیب بودن آن به اثبات رسید. سازش با جمهوری اسلامی در شرایط کنونی و با حفظ توازن قوای فعلی جایی در سیاست دولت بوش ندارد.

یک دنیای بهتر: جنگ و یا خطر جنگ به تحولات سیاسی در ایران شتاب قابل ملاحظه ای بخشد. مواضع بسیاری را شفاف تر کرد. ارزیابی فشرده شما از نیروهای سیاسی اپوزیسیون در قبال جنگ احتمالی چیست؟

آثر ماجدی: جریانات اپوزیسیون ملی - اسلامی و ناسیونالیسم پرو غرب به اصل خود رجعت کردند. بخشی از هر دو جریان صراحتاً نشان دادند که پشت جمهوری اسلامی به خط میشوند، حتی اگر نق و نقی علیه آن سر دهند. بخش دیگری از ملی - اسلامی ها با اعلام صلح و حقوق بشر آرزوی دیرینه خود برای برقراری یک رژیم اسلامی از نوع دوم را آشکار کردند. اپوزیسیون پرو رژیم ملی - اسلامی نیز که به همین خط تعلق دارد برای شعار صلح و حقوق بشر هورا کشید و پشت آنها به خط شد.

بخش دیگری از ناسیونالیسم پرو غرب بطور خجلت زده ای از جنگ استقبال کردند. برخی رسماً گفتند که پس بالاخره چگونه باید از شر رژیم اسلامی خلاص شد؟ جنگ تنها امکان است. متأسفانه در میان نیروهای چپ هم برخی با برخورد دوگانه به جنگ عملاً به همین صف پیوستند. اعلام کردند که جنگ "فرصت هایی" ایجاد میکند. تحت نام

دوران ریاست جمهوری بوش رو به پایان است، یک فاکتور مثبت به نفع ممانعت از جنگ است. باید همچنین در نظر داشت که تحریم اقتصادی فی الحال فشار بسیاری را بر مردم وارد کرده است. و قرار است که این تحریم گسترده تر شود. این نیز خود شکلی از جنگ است. گرسنگی دادن به مردم، تحمیل فقر و مشقت بسیار بیشتر دارد از مردم قربانی میگیرد. حتی اگر خطر حمله نظامی کمتر شده باشد، فشار ما برای پایان دادن به تحریم نباید متوقف شود.

یک دنیای بهتر: برخی معتقدند که "خطر" جنگ را نیروهایی بمنظور "سازش" با رژیم و کم رنگ کردن "جنبش سرنگونی طلبی توده های مردم" مطرح کردند. در این راستا انتشار گزارش اطلاعاتی سازمانهای امنیتی آمریکا را دلیلی بر این ادعا میدانند. نظر شما چیست؟

آثر ماجدی: بنظر من این یک تحلیل پوچ است. این که ارتجاع از انقلاب و "خطر" پیروزی کمونیسم بیشتر از جمهوری اسلامی در هراس است، یک واقعیت تئوریک درست است. اما متأسفانه ما اکنون در ایران با این شرایط مواجه نیستیم. یک جنبش وسیع برای سرنگونی وجود دارد ولی چپ نتوانسته است رهبری آن را بدست آورد. همین واقعیت که جنبش سرنگونی هنوز نتوانسته است رژیم اسلامی را به زیر بکشد، نشان دهنده ضعف رهبری است. از این رو اعلام اینکه آمریکا از جنبش سرنگونی مردم ترسیده است و دست به تمهیداتی برای سازش با رژیم اسلامی زده است، بنظر من

کدام است؟ چه نیروهایی میتوانند به چنین "سازشی" دست یابند؟

آثر ماجدی: بنظر من خیر. سیاست آمریکا و اروپا در قبال رژیم اسلامی همیشه تفاوت داشته است، باستثنای بریتانیا که کاملاً از سیاست های دولت آمریکا پیروی میکند. جرج بوش هنوز خواهان جنگ است. مساله اینجاست که شرایط را باید فراهم کند. اکنون بوش هم در عرصه داخلی و هم بین المللی با معضلات بسیاری برای حمله به ایران روبرو است. گزارش اخیر سازمان های امنیتی آمریکا تا حدودی دست دولت بوش را در پوست گردو گذاشت. در محافل سیاسی در آمریکا، از این گزارش بعنوان کودتا علیه بوش نام برده اند.

در عرصه بین المللی نیز بویژه روسیه و چین با جنگ موافق نیستند. اما پیش از حمله به عراق نیز ما شاهد بودیم که آمریکا چندین ماه تلاش کرد، رشوه داد، مچ پیچاند، قدری کرد، تهدید کرد تا توانست یک ائتلافی بسازد و علیرغم مخالفت های بسیار چه در سطح افکار عمومی و چه در سطح دولت ها، به عراق حمله کرد. بنظر من دولت بوش در تلاش ساختن شرایط است. آیا موفق خواهد شد یا نه؟ این یک سوال باز است.

سازش با رژیم اسلامی با در نظر گرفتن وضعیت رژیم اسلامی و اسلام سیاسی در منطقه بویژه در عراق، بمعنای شکست آمریکا تلقی خواهد شد. از همین رو است که ما شاهد تهدیدات اسرائیل علیه ایران هستیم. این امکان وجود دارد که اسرائیل به نمایندگی از آمریکا وارد این جنگ شود. همانگونه که به نمایندگی از آمریکا با حزب الله در لبنان جنگید. این واقعیت که

ما دسامبر شاهد دو حرکت از این نوع بودیم که نسبتاً موفقیت آمیز بود. البته این تحرکات تاکنون محدود به فعالین سیاسی و عمدتاً چپ بوده است. ما هنوز نتوانسته ایم مردم را به عرصه فعال مبارزه بکشانیم.

این یک واقعیت است که مردم در یک شرایط ویژه و آن هم برای یک دوره معین به مبارزه کشیده میشوند. سالگرد 18 تیر 4 سال پیش یک نمونه خوب از فراگیر شدن مبارزه بود. آیا همیشه میتوان این شرایط را ایجاد کرد؟ بنظر من خیر. دخالت فعال مردم بسیار به شرایط در داخل کشور بستگی دارد. زمانی که مبارزه در ایران توده ای و گسترده شود، در شرایطی که مردم سقوط جمهوری اسلامی را قریب الوقوع ببینند، بنظر من، به یک عنصر فعال مبارزه سیاسی بدل خواهند شد. اکنون چنین نیست.

این واقعیت که هنوز مبارزه برای آزادی دانشجویان و کارگران و حتی فعالین حقوق زن محدود به جریانات چپ است، بیانگر پیگیری و میلیتانت بودن چپ است. بویژه در رابطه با فعالین کارگری و دانشجویان چپ ما این واقعیت را کاملاً مشاهده میکنیم که جریانات دیگر تقلائی نمیکند و جوششی از خود نشان نمیدهند. این واقعیت را باید به مردم نشان داد. این یک نمونه بسیار گویا برای شناسایی جریانات اپوزیسیون و تفاوت آنهاست. باید از این فرصت استفاده کرد. ملی - اسلامی ها و ناسیونالیسم پرو غرب را نزد مردم افشاء کرد.

یک دنیای بهتر: خطر جنگ کمتر شده است. آیا آمریکا و غرب کلاً در صدد "سازش" با رژیم اسلامی هستند؟ مختصات چنین "سازشی"

نگاهی به جامعه، نگاهی به اوضاع سیاسی، نگاهی به حزب...

اینجا جای خوشحالی بسیار است. اما ما هنوز از حزب رهبر - سازمانده جدی داریم. باید این فاصله را سریعاً طی کنیم. اوضاع خظیر است. این نکته ای بود که پلنوم بر آن مکت و تاکید بسیار کرد.

یک نکته قابل توجه دیگر، تفاوت این پلنوم با پلنوم و نشست هایی بود که ظرف دو سه سال گذشته در ح ک ک شاهد آن بودیم. در این پلنوم از هیاهوی پوچ، آرتیاسیون های توخالی و اغراق خبری نبود. همه فرصت داشتند که فعالانه در مباحث شرکت کنند. گزارشات و تحلیل ها با واقع بینی و احساس مسئولیت بسیاری مطرح میشد. روحیه های بالا و خوش بینی بر فضای پلنوم حاکم بود اما پاهای بر زمین و مشغله ها واقعی بود. این یک پلنوم کمونیستی یک حزب جدی بود.*

یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هر یک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است.

این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قیل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های پیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.

مردم ایران هیچ توهمی نسبت به این مضحکه ندارند. مردم دلشان را به "انتخابات" خوش نکرده اند. مردم مترصد فرصت اند تا این رژیم را به زیر بکشند.

یک دنیای بهتر: پلنوم دوم حزب اتحاد کمونیسم کارگری در اواسط دسامبر برگزار شد. اطلاعیه حزب در این زمینه گزارش مفصلی از مباحث مطرح شده ارائه داده است. این پلنوم چه جایگاهی در زندگی حزب بنظر شما داشت؟ ارزیابی شما از نقاط ضعف و قوت حزب در این دوره چیست؟

آئر ماجدی: این پلنوم بنظر من نشان داد که حزب اتحاد کمونیسم کارگری توانسته است بعنوان یک حزب سیاسی جای خود را درون جامعه باز کند. حزب در شرایط بسیار سختی ایجاد شد. رهبری ح ک ک یک کمپین وسیع برای متلاشی کردن حزب سازمان داد. اما ما توانستیم علیرغم این شرایط و علیرغم جو دلسردی که تا حدودی درون جنبش کمونیسم کارگری بوجود آمده بود، اهداف خود را دنبال کنیم و بنظر من موفقیت های مهمی نیز کسب کرده ایم. این پلنوم به این شرایط پرداخت، نقاط قوت و ضعف حزب را تحلیل کرد و اعلام کرد که اکنون دوران فوق العاده تاسیس و جا افتادن سپری شده است و باید فعالیت های روتین و پروژه های اصلی حزب، تبدیل شدن به حزب رهبر، حزب سازمانده و اتحاد صفوف کمونیسم کارگری را با قاطعیت و تمرکز بیشتری دنبال کند.

پلنوم بر این مساله تاکید کرد که رشد حزب در داخل کشور بسیار امیدوار کننده و چشمگیر بوده است. روی آوری به حزب شتاب بسیار خوبی داشته است. ضمناً ما توانسته ایم که در زدودن فضای نفرت و سکتاریسم درون صفوف جنبش کمونیسم کارگری موفقیت های قابل ملاحظه ای بدست آوریم.

اقتصادی و مقابله با هر نوع سیاست جنگ طلبانه را نیز به پیش ببریم.

یک دنیای بهتر: انتخابات مجلس شورای اسلامی "تحرك جدیدی" را در اپوزیسیون پرو رژیم و بخشهایی از مشروطه خواهان براه انداخته است. آیا این جریانات "درسی" هم از شکست ها و افتضاحات سیاسی خود میگیرند؟ سیاست "انتخاباتی" مورد نظر شما چیست؟ این پدیده را چگونه باید افشاء و ایزوله کرد؟

آئر ماجدی: اینها درسی نمیگیرند، چون سیاست شان این چنین است. سیاست شان مماشات با رژیم اسلامی است. تلاش برای استحاله رژیم، برای تغییر از بالا. راه دیگری را نمیپسناسند. اینها هیچوقت به مردم اتکاء نمیکنند، چون به روشنی میدانند که زمانی که مردم به خیابان ها بیایند و رژیم را به زیر بکشند، جایی برای آنها وجود نخواهد داشت. بقول مهدی بازرگان: "باران طلب میکنند، سیل میاید." ملی - اسلامی ها تمام موجودیت شان به وجود رژیم اسلامی بسته است. آنها خواهان یک رژیم اسلامی از نوع دوم اند. کمی اصلاحات میخواهند. میخواهند جناح قدراره بند کمی از انحصار طلبی اش دست بردارد. این تمام آمال و افق آنهاست. از رفسنجانی به خاتمی و از خاتمی به رفسنجانی میروند. دنبال یک آخوند "اصلاح طلب" اند. چون آمالشان اینست، روشن است که درسی هم نمیتوانند بگیرند.

ما هیچگاه این مضحکه را انتخابات نخواهیم. این را مضحکه انتخاباتی نامیده ایم. 99 درصد مردم حق کاندیداتوری ندارند، اما رسانه های نعلین لیس و جریانات ملی - اسلامی آن را انتخابات میخوانند. همین واقعیت را باید گفت و افشاء کرد. البته

سرنگونی طلبی مخالفت با جنگ و یا خواست صلح را ارتجاعی خواندند. ما را که از خطر سناریوی سیاه در صورت وقوع جنگ صحبت کردیم و کوشیدیم که خود و جامعه را برای مقابله با این خطر آماده کنیم، "طرفدار جمهوری اسلامی" خواندند. اینها نشان دادند که آماده چه میزان راست روی سیاسی هستند. سیاست سکوت در مقابل جنگ را پیشه کردند و به حملات زشت و راست به نیروهای ضد جنگ دست زدند. خوشبختانه خطر تا حدودی فروکش کرد، وگرنه با این سرعت این جریان بزودی در کنار راست ترین جریانات بین المللی قرار میگرفت.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری سیاست مسئولانه ای در قبال جنگ اتخاذ کرد. یک موضع صریح و روشن علیه جنگ اتخاذ کرد و کوشید خود را برای شرایط جدید آماده کند. تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی تحت شرایط جدید و شعار نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی، برابری و رفاه را بعنوان شعار اصولی خود انتخاب کرد. در عین حال تلاش خود برای متحد کردن صفوف اتحاد کمونیسم کارگری را نیز به پیش برد. اکنون خطر جنگ کاهش یافته است. اما نباید بی خیال شد. باید کماکان آمادگی لازم برای این شرایط را حفظ کرد. مقابله با تحریم اقتصادی را نیز باید پیگیرانه به پیش برد.

رژیم اسلامی در همین مدت کوتاه سیاست سرکوب مخالفین را شدت داده است. بسیاری از فعالین را دستگیر کرده و مدتهاست که در شرایط سخت در زندان نگاه داشته است. ما فعالانه بر مبارزه برای آزادی این زندانیان و اعمال فشار بر جمهوری اسلامی متمرکز شده ایم. باید در کنار این سیاست مقابله با سیاست ارتجاعی تحریم

اعتراض پیشرو دانشجویی در تقابل با سنت و سرکوب

کامیار آزاد مهر

دانشجو در جامعه ایران از زمانیکه به این عنوان پا به عرصه ی دانشگاه می گذارد تا در یک فضای آکادمیک به فراگرفتن علم و شناخت دنیای پیرامون خود بپردازد، نه تنها به این هدف در ابعاد واقعی آن نمی رسد بلکه با چنان مشکلاتی مواجه می شود که می خواهد تنها درس خود را همچون وظیفه ای سنگین و بیهوده تمام کرده و جان خود را سالم به در برد! این معضل در شهرهای کوچک و بومی نشین بسیار اسفناک و غیر قابل تحمل است! زندگی دانشجویی همان نیست که نسل جوان در کشورهای پیشرفته تر تجربه میکند. در واقع می توان گفت که بالای 60 درصد دانشگاه های کشور فاقد خوابگاه هستند و در صورت داشتن خوابگاه نیز نمیتوان به آن محل سکونت اطلاق کرد! اما بسیاری از دانشجویان به سبب مشکلات مالی مجبورند در این "خوابگاه" ها که بیشتر به سلولهای زندان شباهت دارد سکنی گزینند. در تلی از کثافت و چربی انباشته شده به نام "آشپزخانه" غذا بخورند و در راهروهای چرب و سیاه رنگ و اتاق های محقر و کوچک با یکدیگر مدارا کنند! از مدخل های غیربهداشتی و عفونی به عنوان "سرویس بهداشتی" استفاده نمایند! این وضع یک دانشجو در خوابگاهی است که گاه با هزار رفت و آمد و پارتی بازی اتاقی در آن می گیرد تا روزگار به سر کند!

اما این تنها بخشی از مشکلاتی است که یک دانشجو در محیط زندگی خارج از دانشگاه خود باید تحمل کند! وضعیت دانشجویان به لحاظ روانی بحدی ملتهب و ناپایدار است که برای داشتن کمی آرامش گرایش به طرف استفاده از مواد مخدر را تقویت میکند. و مسبب تمام این نا آرامی ها

نیروهایی هستند که به اصطلاح برای "آرامش مردم" کار می کنند! در واقع دانشجو به محض ورود به شهر محل تحصیل خود با مشکلی به نام نیروی انتظامی، منکراتی و بسیجی روبرو می شود! این نیروها مخصوصاً در شهرهای کوچک آنچنان نسبت به دانشجویها جبهه گرفته اند که دیگر دست از سر زددها و جنایت کارها برداشته و تمام تاکتیک و تخصص خود را برای گرفتن یک دانشجو که برای مهمانی به منزل دانشجویی دیگر رفته به کار می برند! دانشجو بودن در یک شهر کوچک مشابهت زیادی با افراد جنایتکار دارد! به عنوان دانشجو به راحتی مورد تعرض و توهین بخشهایی از اهالی شهر قرار می گیری و هیچ جایی هم نیست که بتوانی برای دفاع از خود به آن جا پناه ببری. چون خود نیروهای پلیس عامل اصلی ایجاد جو ضد دانشجویی در شهرها هستند! بعضاً با اجبر کردن ارادل و اوباش شهر آن ها را به جان دانشجویها انداخته و با این کار دست به سرکوب دانشجویانی میزنند که از شهرهای بزرگتر آمده اند. آنها نگران تاثیرگذاری اجتماعی این دانشجویان روی افکار و قالبهای سنتی و عقبنامه هستند.

اگرچه قشر سنتی شهرهای کوچک در مقابل این سرکوبها ساکت است یا بخشا استقبال می کنند، اما می توان به خوبی دریافت که نسل جوان با دانشجویان سمپاتی دارند و گرایش به بریدن از آداب و سنن قدیمی و پوسیده در آنها قابل مشاهده است. با افزایش میزان جوانان و دانشجویان بومی شهرهای کوچک چهره سنتی نیز تغییر میکند. منطق بازار باعث ایجاد کتابخانه ها و مراکز اقتصادی جدید میشود و مجموعاً

تصویر سنتی شهر و روش معاش مردم تغییر میکند. بموازات این تغییرات اما سرکوب و اعمال فشار پلیسی و امنیتی ادامه دارد و حتی بیشتر هم می شود! زیرا می بینند علیرغم این همه توهم پراکنی و ایجاد محدودیتها باز مردم به سمت دانشجویان رفته و بیش از پیش از آن ها دور می شوند! این سرکوب ها در مواردی بحدی زیاد می شود که عملاً دانشجو را در خوابگاه یا خانه ی خود زندانی می کند. جوانی که پر از انرژی و حرکت است برای اینکه از تعرض نیروهای انتظامی در امان باشد باید در خانه بنشیند و احياناً با مواد افیونی اوقات خود را سپری کند! در خود دانشگاه این تعرض به عهده نیروهای حراستی است که وظیفه دارند همچون سوهان ذهن و روان و جسم دانشجو را آزار دهند. در بعضی از دانشگاه ها دخترها و پسرها را از همدیگر تفکیک می کنند که حتی سر کلاس هم با هم برخورد نداشته باشند. تلاش میکنند دانشجو را به موجودی افسرده، عقب افتاده و مردم گریز تبدیل کنند! در بعضی از دانشگاه ها با گذاشتن دوربین مدار بسته و میکروفن های استراق سمع عملاً و به طور آشکار دانشجویان و اساتید را زیر نظر می گیرند و حتی در بعضی مواقع با وجود حاضر بودن استاد وارد کلاس شده و دخترها و پسرها را جابجا می کنند و یا به آن ها تذکر منکراتی می دهند!

تمام این رفتارها و تحقیرها باعث می شود که دانشجو عملاً در زندانی به نام دانشگاه اسیر شود و از تمام جوانی، شادابی و نشاط خود چیزی جز ترس و وحشت نفهمد! هدف ارتجاع این است که این توده ی عظیم انسانی را مملو از ترس و تحقیر و سرشکستگی کند تا توان دفاع

از حقوق خود و تلاش برای یک دنیای انسانی را از آنها سلب کند. اما سرکوب و رژیمهای سرکوبگر همواره نتیجه عکس گرفته اند. حتی آنجا که ظاهراً توفیق یافته اند که فضای ارعاب و ترس را جاری کنند، میدانند که دانشجویان آتشی زیر خاکستر هستند. آتشی که قادر است همراه با اعتراض اجتماعی و طبقاتی دودمان دیکتاتوری سرمایه و سنت منحوسش را یکجا بسوزاند! آتشی که ریشه تحقیر و فقر و سرکوب و تقطیش عقیده را می سوزاند! آتشی که در قرون وسطی اروپا را فرا گرفت و ریشه خدامحوری را سوزاند! و این آتش چندی است که از خاکستر خود سر برآورده و قفتوس وار فریاد آزادیخواهی و برابری طلبی سر می دهد! این جنبشی است که در مقاطع مهم سیاسی سربلند کرده و نماینده خواستههای برحق و انسانی نسلهای متمادی است. این جنبش هربار و همیشه با سد ارتجاع روبرو بوده و قربانیانش در خاوران ها خفته اند. اما بنا به ضرورت و نیاز جامعه به آزادی و برابری بار دیگر از دل مبارزات متمادی سر برآورده و این بار هزاران بار سوزان تر از پیش می خواهد ریشه های استعمار و بردگی و اختناق و عقبنامدگی را بسوزاند.

اعتراض دانشجویی جزئی از این تاریخ است. همیشه پایدار باد آتش آزادیخواهی و برابری طلبی!*

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپایی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری میرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>

www.m-hekmat.com/

یادداشت سردبیر...

کارگران و مردم آزادیخواه برای ممانعت از تصویب سیاستهای دست راستی دولتها یکی فرض گرفت. تنها اشتراک ایندو کلمه تظاهرات است. نه شعارها، نه خواستهها، نه سنتهای مبارزه، نه ترکیب نیروها و نه اهداف یکی نیستند. یکی پرچم میسوزاند و نفرت قومی و ملی و مذهبی تولید میکند و دیگری از برابری و آزادی و ارتقا حرمت بشر میگوید. در یکی زن کلا ناموجود است و اگر هست درجه چندم است و در دیگری زنان اگر جلوتر از مردان نباشند در صفی متحد مبارزه میکنند. یکی نماینده ارتجاع تاریخ است و دیگری نماینده مدرنیسم و مدنیت سوسیالیستی. جنبش راستها و سفیدها با جنبش چپ ها و کمونیستها و سرخها نمیتواند دارای سنتها و روشها و تاکتیکهای یکسان باشند. اعتصاب غذا، مستقل از اینکه چه تاریخی دارد، در اعتراض چریکهای ایرلندی و بابی ساندز و دوستانش مورد توجه جهانی قرار گرفت و بویژه بدنبال این واقعه تلاش شد الگوی بابی ساندز اینجا و آنجا تکرار شود. در ایران سنت اعتصاب غذا در زندانهای رژیم سلطنتی و اسلامی در مبارزات زندانیان بعنوان یک تاکتیک فردی و جمعی "رادیکال" اتخاذ شد. در زندانهای رژیم اسلامی و برای مقابله با فشار و تعدی های زندانبانان، ظاهرا از اسلاميون و گنجی تا مجاهد و فدائی و ناسیونالیست و سوسیالیست در این تاکتیک اشتراک دارند. حتی و متأسفانه این اواخر این تاکتیک به جنبش کارگری و برخی فعالین کارگری هم رسید!

حقیقت این است که دوران بابی ساندز گذشته است! جنبشی که فرد حماسه ساز و قهرمان موتور محرکه آن بود در یک مقیاس جهانی شکست خورد. مقاومت در مقابل ارتجاع البته تنها روشش نه اعتصاب غذا بوده است و نه اعتصاب غذا تا مرگ، یعنی از

اعتصاب تر به اعتصاب خشک و نابودی خود، تنها شکل مقاومت و نه گفتن به ارتجاع بوده است. در بیرون زندان این تاکتیک و روش را جنبشهای ناسیونالیستی و چپ سنتی و اسلاميون اتخاذ میکنند. همه دیده اند که طرفداران عبدالله اوجلان در مراکز شهرهای اروپا با پهن کردن رختخواب به اعتصاب غذا متوسل میشوند. همه دیده اند که جریانات چپ سنتی برخا وقتی میخواهند اعتراض شان را "رادیکال" کنند از این روش استفاده میکنند. در مجلس رژیم اسلامی اصلاح طلبان حکومتی "روزه سیاسی" میگرفتند! نام اسلامی اعتصاب غذا! یا در مواردی پناهندگان دست به اعتصاب غذا زدند و بخشا اقدام به دوختن لب و پلک چشمان خود کردند. برخی هم عنوان "ماراتن مرگ" را بر این روش نهاده اند! مثالا بسیاری در زندان نیز این یک روش قدیمی اعتراض برای عقب راندن و کاهش فشار بر زندانی بوده است. یک بحث دیگر ممکن است این باشد که بیرون زندان تاکتیک اعتصاب غذا روش مناسبی نیست اما در زندان و برای زندانی ای که ناچار است یک تنه با انواع شکنجه روبرو شود، این تنها راهی است که میتواند بعنوان یک حرکت فردی وضعیت را به نفع خود عوض کند. همه ما کم و بیش و مستقیم و غیر مستقیم این تجارب را داریم. همه ما میدانیم حتی آنجا که زندانی در بیخبری و سانسور مطلق دنیای بیرون قرار میگیرد، هزاران قلب با اوست و هزاران دست حمایت در کنار اوست. این تصور که زندان پدیده ای تماما مستقل و بیرون از سوخت و ساز مبارزه سیاسی و اجتماعی است تصویری است که منشا آن همان قهرمان پروری و اسطوره سازی است. در دنیای واقعی اما زندان ادامه جامعه است، ایستگاهی است که در طول مبارزه سیاسی ممکن است بارها در آن توقف داشت. زندان مرکز قدرت دشمنی است که جنبش ما در حال جنگ با آن است. نه با اسارت تعدادی از

نیروهای جبهه آزادی و برابری و نه با کشتار آنها این مبارزه متوقف نمیشود و در اشکال مختلف این رودروئی ادامه دارد. اگر مبارزه امری اجتماعی است و مهمتر امر توده مردم است، آنوقت روشهای این مبارزه هم باید اجتماعی و در توان کل مردمی باشد که تغییر میخوانند. زندان مرکز ثقل قدرت رژیمهای سرمایه داری است. زندانها و دادگاهها و نیروی قهریه اساس قدرت طبقه حاکم است. اگر زرق و برق نهاد دولت و مجلس و سیستم اداری را کنار بزنید به همین اساس قدرت طبقه حاکم یعنی زندان و دادگاه و قوانین حافظ منافع آنان و نیروی قهریه سرکوب میرسید. به همین دلیل در دوره های انقلابی یا در دوره هایی که خطر اعتراض و شورش و اعتصاب بالا میگیرد، دولت با همین عنوان و بدون تعارف در مقابل جامعه و جنبشهای انقلابی و طبقه کارگر قرار میگیرد. اما چه تاریخا و چه اثباتا دندان این قدرت را تنها مبارزه متشکل و قدرتمند و اجتماعی جنبشهای رادیکال و انساندوست میتواند بکشد نه سیاست نابودی فردی. یک نکته دیگر اینست که تلقی ای که فکر میکند میتوان نیروی سرکوب را با اعتصاب غذا پس راند، یک نوع توهم را در خود مستتر دارد و آن اینست که فکر میکند ارتجاع چه بخاطر پیامدهای مرگ زندانی و چه نگرانی از جان زندانی عقب نشینی میکند! در موارد بسیار مشخصی و تحت تناسب قوای بسیار خاصی این شاید درست باشد، اما بعنوان نقطه عزیمت تحلیلی متکی بر توهماتی است که نمیتواند توضیح دهد زندان و شکنجه گر و شکنجه گاه و تکنولوژی "مدرن" شکنجه و اساسا قوه قهریه چرا وجود دارد.

جنبش کمونیسم کارگری و سنت رادیکال سوسیالیستی کارگران، ضمن درک شرایط بغایت سخت زندانی زیر شکنجه، ضمن تلاش برای رهایی زندانیان و بهبود وضعیت و حقوق آنان، مخالف اعتصاب غذا بعنوان روش و

تاکتیک مقابله است. این روش بدر هر جنبش و سنت سیاسی بخورد بدر جنبش سوسیالیستی و اردوی آزادی و برابری نمیکورد. بنا با اخبار نیز تعدادی از دستگیرشدگان 13 آذر در زندان دست به اعتصاب غذا زدند. همینطور چند دانشجوی دانشگاه اصفهان برای خواستههایشان هشت روز در اعتصاب غذا بسر بردند. ما مخالف این سیاست و تاکتیک هستیم. آنرا نادرست میدانیم. چرا؟

اول، مبارزه کار توده طبقه کارگر، توده مردم، و تاکید میکنم مردم بسیار "عادی" است. توده عظیم طبقه کارگر و مردم و در این بحث مشخص توده وسیع دانشجویان دانشجویان قادر به اعتصاب غذا نیستند. یعنی نمیتوانند وارد این سیستم از مبارزه سیاسی شوند. یعنی این روش الیبتیستی و جدا از مردم است و بنا به مشخصات خود دامنه مبارزه را محدود و مشروط میکند. به این عنوان تاکتیک تعرضی و رادیکالی نیست بلکه تاکتیکی محافظه کار و عمیقا محدود کننده و در موارد بسیاری فلج کننده است.

دوم، هسته اصلی هر مبارزه اجتماعی که خواهان تغییر است عنصر امید به آینده ای بهتر است. همین امید و خواست تغییر است که نیروی اجتماعی دارد و در باورها و تلاش روزمره توده های وسیع مردم ریشه دارد. متقابلا سنت و تاکتیک اعتصاب غذا متکی بر عنصر استیصال و ناامیدی عملی به تداوم مبارزه اجتماعی است. در آن اراده فرد جای اراده جمع مینشیند. فرد متمیزه که در جامعه موجود، چه در زندان و چه بیرون، فاقد قدرت است، جای قدرت اجتماعی و متشکل مینشیند. تاکتیک اعتصاب غذا تلویحا و اثباتا باور به تلاش جمعی را نفی میکند. آنجا هم که فراخوان حمایت میدهد، گویا باید دیگران هم بیایند و به اعتصاب غذا بپیوندند. (مورد گنجی و اعتصاب غذای حمایتی نیروهای ملی اسلامی را بیاد آورید)

یادداشت سردبیر...

سوم، جنبش آزادی و برابری پرچمی را برافراشته که میخواید جامعه را به صاحبان اصلی آن برگرداند. این جنبشی انسان محور و بشدت حق بجانب است. اعتصاب غذا نه فقط کمترین حق بجایی را در خود ندارد بلکه نوعی مظلوم نمایی شبه مذهبی و عرفانی است. نوعی حمله به خود و خود زنی است. ما نیاز داریم مبارزتان محکم و اصولی باشد و جامعه در ابعاد وسیع از آن درس بگیرد و بتواند با شور وارد آن شود. اعتصاب غذا نقش کاملا برعکس را ایفا میکند. معمولا اعتصاب غذا نقطه شروع گسترش مبارزات نیست، بلکه اعلام ختم "شکوهمند" آنست. این سیاست آگاهانه یا ناآگاهانه به ضرر جنبش ماست.

چهارم، هدف اعلام شده مبارزه ما ایجاد دنیائی انسانی است. انقلاب کارگری با تمام جنگها و قیامها و حتی خونریزیها که میتواند در مسیرش رخ دهد، انقلابی متکی به امید و آرمان انسانهای بیشمار برای برپائی دنیائی آزاد و مرفه است. روشها و تاکتیکهای این مبارزه و انقلاب نمیتواند از اهداف و سیاستهای آن جدا باشد و یا حتی علیه آن باشد. این مبارزه امر طبقه کارگر و توده وسیع مردم است و اگر قرار است روش رسیدن به پیروزی این باشد که صدمات جبران ناپذیر متحمل شویم، آنوقت باید بطور جدی در سیاستها و تاکتیکهایمان تردید کنیم. اعتصاب غذا حمله به خود است، خود زنی است، ضربات جبران ناپذیری به اعتصابیون وارد میکند، علیه اهداف و آرمانهای شریف و سوسیالیستی طبقه کارگر است. بجای تقویت و گسترش این مبارزه آن را تضعیف و محدود میکند.

پنجم، و بالاخره باید این را تصریح کرد که رادیکالیسم سوسیالیستی امری انسانی و اجتماعی است. جنبش ما ناچار

است روز معینی به نهادهای قدرت حمله کند، قیام سازمان دهد، خلع سلاح کند، بجنگد و با قدرت در این جنگ پیروز شود. تاریخ تاکنونی جنبش ما نیز تاریخ قهرمانیهای طبقه کارگر و اعتراضات و اعتصابات و قیامها و انقلابات پرشور است. میخوایم پیشاپیش پاسخ این دیدگاه رمانیست های انقلابی خرده بورژوا را داده باشیم که میگویند "مبارزه هزینه دارد"! رادیکالیسم خرده بورژوائی و روشهای آن با رادیکالیسم کارگری و سنت سوسیالیستی تفاوت ماهوی دارد. هر مبارزه و پیروزی آن چهارچوب و مشخصاتی دارد. سنتی که هر مبارزه را به "جنگ آخر" ارتقا میدهد، قصد پیروزی ندارد. قصد ندارد موانع سازمانیابی و پیشروی این مبارزات را برطرف کند. قصد ندارد استراتژی پیروزی را ترسیم و عملی کند. خوشبختانه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب مخالفت خود را با اعتصاب غذا اعلام کرده اند. تاکتیک و روش اعتصاب غذا بویژه توسط جنبش آزادی و برابری باید اکید کنار گذاشته شود. این روشی غیر سوسیالیستی و غیر کارگری است. این سیاست سنت جنبش سوسیالیستی کارگران نیست.

توصیه اکید ما به عزیزان زندانی دربند اینست که اعتصابشان را خاتمه دهند و به وجود عزیزشان راسا صدمه نزنند.*

یک دنیای بهتر

برنامه حزب اتحاد کمونیسم کارگری را بخوانید و به دوستانتان توصیه کنید!

خانواده های دانشجویان دستگیر شده روز شنبه ۱۵ دی در مقابل "دادسرای دادگاه انقلاب" تجمع میکنند!

مردم آزادیخواه

آزادی تمامی دانشجویان، کارگران و فعالین حقوق زن در گرو فعالیت و تلاش شماست. اگر متحدانه از فراخوان خانواده های دانشجویان حمایت کنیم. اگر همراهشان اعلام کنیم که آزادی و برابری و رفاه حق مسلم هر انسانی است. اگر اعلام کنیم که تا آزادی بی قید و شرط کلیه دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی دست از تلاش نخواهیم کشید، در آن صورت رژیم اوباش اسلامی چاره ای جز عقب نشینی در مقابل این اعتراض شما نخواهد داشت.

خانواده های دانشجویان دستگیر شده اعلام کرده اند که پس از یکماه سر دوانده شدن و وعده های پوشالی، بار دیگر روز شنبه ۱۵ دی ساعت ۱۱ صبح در مقابل "دادسرای دادگاه انقلاب" تجمع اعتراضی خود را برگزار میکنند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری از همه شما مردم آزادیخواه میخواید که به این اعتراض بپیوندید. این خانواده ها را تنها نگذارید. آزادی تمامی دستگیر شدگان در گرو تلاش شماست.

<> اطلاعیه‌ی خانواده‌های

دانشجویان دستگیر شده‌ی مراسم روز دانشجو (13 آذر)

یک ماه گذشت. ماه شب و روزهای سخت و سرد مقابل اوین، ماه توهین های سرباز نگهبان و تهدید های بازجو، ماه تهمت ها و وعده های بی اساس، ماه شب های اشک و غم، فریاد و خشم. ما این سو و فرزندانمان آن سوی دیوارهای زندان اوین، در سلول های انفرادی تاریک و سرد. همان داستان تکراری چشم بند و بازجویی شبانه و بی

خوابی و ضرب و شتم و ...

فرزندان دانشجویی ما، به جرم سر دادن ندای آزادیخواهی و برابری طلبی در روزی و جایی که متعلق به خودشان است حتی بدون امکان ملاقات با وکلای و خانواده هایشان تحت شدید ترین فشارها قرار دارند و ما خانواده ها در نگرانی و بی اطلاعی کامل از وضعیت آنها، و این همه در میان بایکوت شدید از سوی رسانه ها و مطبوعات کشور.

ما پس از گذشت این زمان طولانی تنها راه رساندن صدای استمداد خود را تجمع در مقابل دادسرای دادگاه انقلاب در روز شنبه 15 دی ماه ساعت 11 صبح میدانیم، تا صدایمان را از این سوی دیوارهای سرد و خاکستری اوین به گوش فرزندانمان برسانیم، تا بدانند که تنها نیستند، که این سو خانواده هایشان، دوستانشان و تمامی انسان های آزاده در کنارشان هستند و تا رهایی کامل شان از پا نمی نشینند.

کمیته ی پی جوی آزادی دانشجویان دربند

<< 11/10/1386

وعده ما ۱۱ صبح شنبه ۱۵ دی در مقابل "دادسرای دادگاه انقلاب"

دانشجوی زندانی، کارگر زندانی، زندانی سیاسی بی قید و شرط آزاد باید گردد!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲ ژانویه ۲۰۰۸ - ۱۲ دی ۱۳۸۶

سپاه پاسداران خطاب به که مینویسد؟ "حقیقت تلخ" و شیرین 16 آذر!

آذر ماجدی



کرده است. باید آماده باش دهد. این آماده باش نه فقط به جناح قدره بند، که به از حکومت بیرون افتادگان اسلامی نیز هست. به امثال حجاریان که تاکتیک "فشار از پایین و چانه از بالا" را در زمان انتخابات مطرح کرده است. هشدار میدهد که چه نشسته‌اید، چه دارد دانشگاه را بدست میگیرد. و همه میدانیم که دانشگاه صرفاً نوک کوه یخ جامعه است. دانشجویان یک جنبش دانشجویی به معنای تنگ آن نیستند، نمایندگان بخش وسیعتر جامعه اند. نمایش قدرت چپ در دانشگاه نمونه کوچکی از جنبش اجتماعی وسیع آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه است.

این گزارش یک حقیقت شیرین دیگر را برای ما کمونیست‌های کارگری بیان کرد. منصور حکمت چند سال پیش گفت، جامعه چپ خود را جستجو میکند چون عدالت میخواهد. و ما اکنون می بینیم که چگونه آزادی خواهی و برابری طلبی به پرچم چپ بدل شده است. وی همچنین گفت که در این دوره چپ با کمونیسم کارگری تداعی میشود. ناباوران آن روز شاهدند که چگونه رژیم و پاسداران نیز دارند بر این گفته صحنه میگذارند. این گزارش این حقیقت شیرین را آشکار کرد که در جامعه ایران امروز آزادیخواهی و برابری طلبی با کمونیسم کارگری و با نام منصور حکمت تداعی میشود. این واقعیت را باید پذیرفت. برای دست یافتن به این حقیقت زندان و شکنجه لازم نیست. این یک حقیقت آشکار است، سری و مخفی نیست.*

**مجمع عمومی
ظرف اعمال
اراده مستقیم و
مستمر توده
کارگران است!**

جنبش وسیع آزادیخواهانه و برابری طلبانه اشاره دارد. 30 سال زدند، اسیر و شکنجه کردند، دسته دسته اعدام کردند، همین دانشگاه تهران را تحت نام "انقلاب فرهنگی" به خون کشیدند، و اکنون با صفوف متحد و متشکل جوانانی روبرویند که با غرور و استحکام پرچم های آزادی و برابری را به اهتزاز درمیآورند.

این نسل "انقلاب فرهنگی" را ندیده است، کودتای خونین 30 خرداد و اعدام های 67 را تجربه نکرده است. این نسلی است که با رژیم اسلامی سر سازش ندارد. آزادی و برابری خواهد و خواستش را با صدای رسا اعلام میکند. رژیم اسلامی هر روز با این نسل در گیر است. در خیابان و مدرسه و دانشگاه با آن میجنگند، به اسم ارادل و اوباش به زندان میاندازدش، با اسم "بدحجاب" کتک میزند، اما نمایندگان این نسل متحد و متشکل در مقابلش صف آرایی میکنند و آزادی و برابری میخواهند. حکومت اسلامی این نسل را نمیتواند به شکست بکشاند.

این آن حقیقت تلخی است که این باصطلاح گزارش تحلیلی به آن اشاره دارد. این آن حقیقت تلخی است که سپاه دارد به کل دستگاه حکومت هشدار میدهد که باید با آن مقابله کنند. این گزارش خطاب به مردم نیست. این گزارش خطاب به کل حکومت اسلامی و جریانات ملی - اسلامی است. دارد میگوید که چپ قوی شده است. اگر نجیبیم نسیم آزادیخواهی و برابری طلبی به کولاک خانمان برانداز بدل خواهد شد.

سپاه پاسداران را با حقیقت کاری نیست. اما این گزارش حقایق شیرین بسیاری را در مورد جامعه برملا کرده است. سپاه سوتی نداده است! از دستش در نرفته است. شرایط جامعه افشای این حقایق را به سپاه تحمیل

زندانیان و دانشجویان در داخل کشور، نیروهای اپوزیسیون و سازمان های انسان دوست در خارج کشور رژیم را راحت نگذاشته اند. 16 آذر ادامه یافته است.

سه هفته پس از مراسم دانشگاه تهران، سپاه به "تحلیل" وقایع 16 آذر پرداخت. تحت عنوان "داستان یک حقیقت" و "حقیقت تلخ" به حضور وسیع چپ در دانشگاه ها اعتراف کرد. ابتدا از انبان تبلیغات نظام های دیکتاتوری و سرکوبگر تعدادی عبارت بر صفحه پاشید، سعی کرد القاء کند که این صدها نفر دانشجو نبوده اند، اهل تهران نبوده اند، از مناطق دیگر آمده بودند تا تهران را شلوغ کنند. در میانشان اسلحه و بمب و نارنجک و سی دی های "مخالف عفت عمومی" و غیره هم کشف کرد. اینها ارزش پاسخگویی ندارد، تبلیغات شناخته شده و مندرس است.

جالب اینجاست که نیم قرن است نظام های سرکوب فقط همین نوع تبلیغات را می شناسند. رژیم شاه به همین گونه تبلیغات متوسل میشد. آقای امنیتی در تلویزیون همین گونه ماتریال کشف شده را به نمایش میگذاشت، دیکتاتوری های نظامی آمریکای لاتین همین کار را میکردند و همین چند وقت پیش رژیم میانمار هم همین عبارات را پشت سر هم کرد. گویی نویسنده همه این اینها یکی است. اینها دروغهایی بود که زیر تیتر حقیقت طرح شده بود.

اما "حقیقت تلخ" کدامست؟ جالب اینجاست که شوک 16 آذر آن چنان قوی است که سپاه بطور ناخودآگاه احساسی که به کل دستگاه حکومت اسلامی دست داده است را برملا کرده است: "حقیقت تلخ." حقیقت تلخ به وجود یک

چرا سپاه پاسداران ملزم به ارائه گزارش "تحلیلی" از وقایع 16 آذر شده است؟ "صادق صبح" چه کسی را خطاب قرار داده است؟ بگیر و ببند و اسارت و شکنجه کار هر روزه اینها است. به اسم "عفت عمومی"، "امنیت اجتماعی"، "ارادل و اوباش" و "امنیت ملی" میگیرند و به زندان می اندازند، اعدام میکنند و خودکشی میدهند، اما خود را ملزم به ارائه گزارش تحلیلی نمی بینند. در 16 آذر چه اتفاقی افتاد که سپاه هم شکنجه و هم تحلیل تئوریک را بکار گرفته است؟

16 آذر سپاه پاسداران و جمهوری اسلامی را بهت زده کرد. تصور میکردند که گرفته اند و زده اند و ساکت کرده اند. یا لاف این چنین وانمود میکردند. برای محکم کاری چند روز پیش از اولین مراسم 16 آذر در دانشگاه تهران تعدادی از فعالین دانشجویی را برای زهر چشم گرفتن دستگیر کردند. با تاکتیک "گره را باید دم حمله کشت!" به سراغ دانشجویان رفتند. مشغول شکنجه این زندانیان بودند که با تجمع وسیع، با صف های متحد و با پلاکاردهای سرخ آزادی، برابری در دانشگاه تهران مواجه شدند. به گفته نشریه صادق صبح 800 نفر در این تجمع شرکت کردند. پس از آن هر روز در شهری و دانشگاهی دانشجویان تجمع کردند، به اسارت رفقایشان و فعالین کارگری و جنبش حقوق زن اعتراض کردند، شعار آزادی و برابری سر دادند، مرگ بر دیکتاتور گفتند، رهایی زن رهایی جامعه است را به اهتزاز درآوردند.

رژیم اسلامی غافلگیر شده بود. دستگیری ها گسترش یافت. نزدیک به 50 تن از دانشجویان دستگیر شدند. از روز دستگیری این دانشجویان رژیم یک روز راحت نداشته است. خانواده های

نامه ها

سیاوش دانشور



بردیا عزیز،

نامه شما در مورد چگونگی عضویت در حزب دریافت و برایتان فرم عضویت ارسال شد. از همکاری با شما خوشحالم. پیشاپیش ورودتان را به صفوف مبارزه برای یک دنیای بهتر و برپایی جامعه آزاد و سوسیالیستی تبریک میگویم. برایتان آرزوی موفقیت و پیروزی داریم.

مهدی فدائی از دوسوردلف

خبر ناگوار خودسوزی یک جوان 28 ساله پناهنده و تقاضای شما مبنی بر خبررسانی در اینمورد دریافت شد. افشاگری و خبررسانی البته لازم است اما نمیتواند مانع تکرار چنین فجایی شود. دفتر پناهندگی حزب بزودی کارش را در کشورهای مختلف شروع میکند. راه مقابله با چنین تراژدیهای ناگواری متشکل شدن پناهجویان و روآوری به مبارزه متشکل است. امیدواریم که شما هم در محل زندگیتان در این تلاش سهیم شوید. موفق و پیروز باشید.

هیوا سنه

رفقا با عرض سلام و آرزوی دیدارتان. من راستش سوالی دارم که خودم هم شک دارم طرح این سوال چقدر در تشریح درست است. این آقای آسنگران از رهبری حزب کمونیست کارگری در هر مطلبش به بقیه بچه محصل میگه. من این کلمه را از آدمهای غیر سیاسی و کسانی که خوشنام نیستند زیاد میشنوم. سوالم اینست چرا یک انسان سیاسی از این کلمات استفاده میکند. قربانتان هیوا از سنه.

هیوای عزیز،

متأسفانه برخی از دوستان سابق ما رادیکالیسم و فرهنگ پیشرو را با ادبیات و فرهنگ عقب مانده ترین افشار جامعه عوضی گرفته اند.

و جنسیت و موقعیت اجتماعی را به سبب فرهنگ جامعه بورژوازی در تبیین حق انسان و حرمت او وارد نمیکند. جامعه امروز به لطف مبارزات سوسیالیستها و آزادیخواهان تا این حد رشد کرده که ظاهراً حقوق برابر انسانها را در در چهارچوبهایی پذیرفته است. جای تأسف عمیق است که هنوز افرادی پیدا میشوند که با نام "کمونیست" دست در انبان فرهنگ عقب مانده ترین افشار جامعه میکنند. و این تنها نشان میدهد که سوسیالیسم شان تا چه اندازه سطحی و پوک است و اخلاقیات و فرهنگ متناسب آن نیز مجوز استفاده کردن از هر روشی را علیه مخالفینشان صادر کرده است. این تازه از خصوصیات کمتر مضر ایشان است. متأسفانه این تیپ اجتماعی در حزب کمونیست کارگری دارد رشد میکند و فعلاً میداننداری میکنند. با اینحال این حزب انسانهای شریف و محترم هم زیاد دارد که نباید حسابشان را با امثال ایشان یکی دانست. این نه منصفانه است و نه واقعی. موفق و پیروز باشید.

رامین تیرانداز

با درود. این ایمیل یک درد و دل صمیمانه است با تمام رفقای حزب اتحاد کمونیسم کارگری. به عنوان آخرین ایمیل ما در سال 2008. امیدوارم که فرصت داشته باشید تا مطالعه کنید و در این نامه پایان سالی، ما را همراهی کنید:

امسال هم تمام شد. با تمام اتفاقات خوب و بد به پایان رسید. شاید تلخ ترین سال زندگی علی جوادی امسال بود، چون زویا را از دست داد. حال در جشن سال جدید دیگر در کنارش نیست ولی ما هم به یاد زویا و در کنار علی جوادی خواهیم بود. امسال در یک اقدام سخت و اجباری و انقلابی از حزب کمونیسم کارگری جدا شدیم و سال 2008 را با حزب اتحاد کمونیسم کارگری آغاز خواهیم کرد. از نزدیک ترین و صمیمی ترین

رفقای مبارزاتی خودمان به خاطر این تصمیم بسیار تهمت ها و ناسزاها شنیدیم و حتی تلویزیون را که می رفت تا با اجرای برنامه های زنده جای خودش را در خانه ها و در قلب مردم آزادیخواه ایران باز کند را رها کردیم تا رفقا انگ دیگری بر ما نزنند. در قالب جوانان حزب اتحاد کمونیسم کارگری وارد گود مبارزات شدیم و توانستیم در روز کارگر و روز دانشجو پرچم سرخ سوسیالیسم را به بالای سر ببریم. اما گفتن این جمله کلیشه ای ما را خسته کرده. می خواستیم بگوییم و بنویسیم امسال سال آخر حیات این نظام است اما دیدیم 28 سال داریم همین را می گوییم ولی ... پس بهتر است دیگر این را نگوئیم. باید عیب کارمان را پیدا کنیم. باید راه حل را بیابیم. باید جواب این معادله را پیدا کنیم. اینطوری بهتر است. نظام شکستی تر از آنچه است که فکرش را بشود کرد. این همه ترس و وحشت ساختگی باید از میان برداشته شود. ما سعی می کنیم این حس را در مردم ایجاد کنیم. اگر موفق شدیم مطمئن باشید امسال واقعاً نظام رفتنی است. سال 2007 با همه حادثه هایش گذشت و رفت. سال 2008 را به این امید آغاز کنیم که ما می توانیم پیروز شویم.

با احترام، رامین تیرانداز، از طرف تمام جوانان حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تهران، سه شنبه 11/10/1386 تهران

رامین تیرانداز عزیز،

همیشه در نامه های شما عاطفه و درک موقعیت دیگران موج میزند. این حقیقتی سوسیالیستی است که نه تنها در ابراز همدردی انسانی بلکه در تلاش و انقلابیگری شما رفقای عزیز هم قابل مشاهده است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری و سنت کمونیستی هیچوقت اسپر کلیشه سازی نبوده و نباید باشد. درک موقعیت و شرایط جنبش مان، رفع موانع سازمان گری و تامین رهبری آن، تلاش برای پیشروی و تثبیت دستاوردها، داشتن مرز روشن با منس و روشهای چپ رادیکال و غیر کارگری و غیر مارکسی، و کم

نامه ها...

نکردن افق پیروزی و ملزومات آن بنیاد های اساسی کار ما هستند. ما موظفیم مسیر پیروزی انقلاب کارگری و کمونیستی را هموار کنیم. بقول شما باید پاسخ معادله موجود را بدهیم و در این پاسخ به چیزی کمتر از پیروزی تمام عیار کارگری رضایت ندهیم. رفقای عزیز جوانان حزب اتحاد کمونیسم کارگری درودهای گرم و رفیقانه ام را بپذیرید. به امید سالی پر تلاش برای پیشروی اردوی آزادی و برابری و سوسیالیسم در ایران. موفق و پیروز باشید.

ساعت شنی یا اتمی

ساعت شنی سریالی است جدیداً توسط حاتمی کیا ساخته شده و پخش می شود، حال اینکه این سریال با چه نگرشی ساخته شده و چگونه به پایان خواهد رسید معلوم نیست. ولی این برنامه فعلاً گوشه هایی از مسایل زیر را به نمایش گذاشته: فقر، فرهنگ مرد سالارانه، اعتیاد، بی خانمانی و بی حقوقی کودکان، بی ارزشی کار انسانها، تابو بودن نازایی، نگره داری کودکی بی سرپرست و حس انسان دوستانه یک زن و نگره داری جنین در رحم برای دیگری.

با تماشای آن چراهای زیادی در ذهن بیننده پدید می آید که سریال جوابی به آنها نمی دهد اما پاسخ در این است که سریال عاملین ایجاد چنین جامعه ای را به معرض نمایش نمی گذارد. افکار و شرایط حاکم بر جامعه نتیجه سلطه طبقه حاکمه است، طبقه حاکمه جامعه ما هم که سرمایه داری اسلام سیاسی است. استثمار هر روزه قشر زحمتکش چیزی جز فقر، فلاکت، بی خانمانی کودکان و دستگاه عقب مانده سیاسی هم چیزی جز مرد سالاری، زن ستیزی برای جامعه به ارمغان نخواهد آورد. واقعاً چه ترکیبی از حاکمیت بر این جامعه حکم فرماست در حالی که در خیلی از کشورهای جهان سرمایه داری به تنهایی با ابزار سرکوب خود یعنی

نیست چون این اولویت با اولویت سود و سرمایه و به این اعتبار نظام مدافع آن در تناقض است. نشریه یک دنیای بهتر از نقد کتاب و فیلم از درجه تحکیم نگرش انتقادی و سوسیالیستی در جامعه استقبال میکند. از شما و دوستان دیگر که در این زمینه ها علاقه مند اند دعوت به همکاری بیشتر میکنیم. موفق و پیروز باشید.

تیریک سال نو

از خوانندگان نشریه، دوستان و رفقای که پیام تیریک سال نو فرستادند صمیمانه تشکر میکنیم. متقابلاً سال نو را به همه شما عزیزان تیریک میگوئیم. بگذارید امیدوار باشیم که گذشت زمان و منافع ارجح جنبش کمونیستی طبقه کارگر برای آزادی جامعه، نیروهای کمپ آزادی و سوسیالیسم کارگری را در جبهه های نبرد طبقاتی علیه سرمایه متحدر کند.

کامیار آزادمهر

پیرامون پلنوم دوم حزب اتحاد کمونیسم کارگری

پلنوم دوم حزب به خوبی برگزار شد و یک موفقیت دیگر در کارنامه حزب اتحاد کمونیسم کارگری ثبت شد. این پلنوم حرف های بسیاری را با خود داشت و حقایق را برای آن ها که نمی خواستند باور کنند برملا کرد. این حقیقت که ما می توانیم نه فقط حزب خود بلکه جامعه را سازمان دهیم. حضور فعال اکتیویست های ما در اجتماعات مختلف در داخل و خارج در همین مدت کوتاه این ادعا را ثابت می کند.

رضا تابان عزیز،

دستتان درد نکند. من این فیلم را ندیده ام اما نامه شما تصویری از خط و پیام حاکم بر آن بدست میدهد. معمولاً در جوامع سرمایه داری همیشه متد بررسی مشکلات در یک دایره و سیکل باطل دور میزند که قرار نیست خود نظام موجود بعنوان مسبب این مشقات زیر سوال رود. در ایران اسلام زده نیز رعایت و ابروداری اسلام هم اضافه شده است. بطور کلی اولویت انسانی نقطه عزیمت نقد

حزب اتحاد کمونیسم کارگری در کنار تشکل بندی و ثبات سیاسی و گرفتن اتوریته لازم، از حرکت به سوی تبدیل شدن به یک حزب سازمانده و تاثیر گزار بازماند. تا هم اکنون تشکیلات داخل حزب در مبارزات دانشجویی، کارگری و زنان برای ایفای نقش شایسته و کمونیستی تلاش کرده و ما نتیجه این تلاشها را هرچه بیشتر میبینیم. ما پاهایمان را هرچه محکم تر بر روی زمین کوبیده ایم بدون اینکه خود را در توهمات شیرین غرق کنیم. ما برای آنچه شایسته کمونیست بودن است خیز برداشته ایم. کار فشرده و 24 ساعته ما در این 6 ماه با همه مشکلاتی که داشتیم نشان داد که می توانیم به این هدف برسیم و می رسیم. باید همچنان به فعالیت های خود ادامه داده و ریشه های خود را در اعتراض کارگری و دانشجویی و زنان بگسترانیم. باید همچنان در دنیای واقعی بر علیه دشمنان واقعی بلند شویم!

اگرچه کمبود هایی نیز هست اما ظرفیت برطرف کردن آن ها نیز هست. بسیاری از اعضای جدید حزب اتحاد کمونیسم کارگری هنوز آنطور که باید نقش خود را بازی نکردند. اما این حزب متعلق به تمام کسانی است که برای اهداف مشترک کمونیستی کارگری تلاش می کنند. این حزب ما است و باید به دست ما ساخته شده و بعنوان یک گلوله آتشین به قلب دشمن برود. در سال جدید باید هدف ما رفتن به سوی ساختن تمام عیار یک حزب سازمانده و رهبر باشد. تشکیلات داخل باید بکوشد تا جایگاه خود را در حزب پیدا کرده و در کنار آن چهره های خود را به جامعه معرفی کند!

کامیار بسیار عزیز،

فرصت را غنیمت شمرده و مجدداً به شما رفقای عزیز، به شما کمونیستهای پرشور نسل جدید درود میفرستم. اراده انقلابی و بزرگی کمونیسم مارکس و منصور حکمت است. ما همواره تاکید کردیم و مجدداً تاکید میکنیم که باید از کنار تبلیغات نازل با تاسفی رد شد و مشغول

کنیا، دمکراسی قبیله ای

"مردم دسته دسته مانند مرغها سلاخی میشوند!"

سیاوش دانشور



را با اتکا و حمایت از مرتجعترین نیروها در مقابل مردم جهان گذاشته است. موی کبیایکی یا هر مرتجع دیگری جز این آینده ای برای مردم محروم کنیا ترسیم نمیکند. این سرقبیله ها ستارگان دمکراسی نظم نوینی هستند که در کنیا مثل دمل چرکین میترکد. نمونه بهتری ندارند؛ روندا، یوگسلاوی، افغانستان، عراق، پاکستان، کنیا، ... فردا کجا؟

این بساط را تنها سوسیالیسم میتواند جمع کند. امید دیگری نیست. *



در روزهای اخیر و بدنبال نتایج "انتخابات" در کنیا موجی از کشتار و جنگ فرقه ای این کشور را درنوردید. صدها نفر، دستکم تا آخرین اخبار بیش از ۳۴۰ نفر، در جنگ فرقه ای قتل عام شدند. تنها در یک مورد سی کودک که در یک کلیسا پناه گرفته بودند زنده زنده سوزانده شدند. خانه ها، اماکن مختلف، و هرچائی که به قبیله مخالف متعلق است سوزانده میشود. شاهدان عینی و اخبار جملاتی را بکار میبرند که یادآور کشتارهای مخوف در رواندا است: "مردم دسته دسته مانند مرغها سلاخی میشوند، پلیس کاری نمیکند!" هزاران نفر جانیشان را برداشته اند و آواره شدند. چند روز پیش رسانه ها از رشد دمکراسی در کنیا میگفتند و کارشناسان تاریخ را ورق میزدند. تنها دور روز بعد مرگ و زندگی در کنیا به مویی بسته است!

نگرانی ها در مورد گسترش یک جنگ تمام عیار و غیر قابل مهار فرقه ای گسترش می یابد. آمریکا و بریتانیا بنا به منافع استراتژیک خود در این کشور مهم آفریقائی تنها از اعمال فشار دیپلماتیک برای صلح سخن گفته اند. واقعیت اینست که غرب در این ماجرا بی طرف نیست. اگرچه ناظران سازمان ملل خود را به گفتن "رعایت نشدن موازین انتخاباتی" محدود کرده اند، اما جانبداری آنها غیرقابل پوشاندن است. وضعیت کنیا مانند بسیاری از کشورهای فقر و جنگ زده آفریقا محصول سیاستهای اینهاست.

و این دمکراسی نظم نوینی است. دمکراسی قبیله ای. دمکراسی منحطی که جنگ قومی و فرقه ای و مذهبی

برنامه های تلویزیونی برای یک دنیای بهتر

جمعه: ساعات ۵ بعد از ظهر بوقت تهران یکشنبه: ساعت ۱۲:۳۰ ظهر بوقت تهران

در تلویزیون کانال یک

برای یک دنیای بهتر یک برنامه سیاسی است. بیطرف نیست، جانبدار است. مدافع حقیقت، آزادی، برابری، شادی، رفاه و سعادت انسانها است. ما برای یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکنیم. لطفاً روز و زمان پخش این برنامه ها را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خودتان برسانید.

آدرس تماس با مسئولین حزب
اتحاد کمونیسم کارگری

علی جوادی (دبیر کمیته
مرکزی)

Ali_Javadi@yahoo.com

Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی (علی
جوادی، سیاوش دانشور، آذر
ماجدی)

AzarMajedi@yahoo.com

Sivavash_d@yahoo.com

کمیته سازمانده (علی جوادی،
نسرین رضاعلی)

nasrin_ramzanali@yahoo.com

مسئول خارج کشور (محمود
احمدی)

mahahmadi@yahoo.com

مسئول سایت و آی تی حزب
(مجید پستچی)

x_magid@yahoo.com

دبیرخانه (شراره نوری)

markazi.wupi@gmail.com

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری
کمک کنید!

Bank : Wells Fargo Bank
- N. America

Routing Number : 121
000 248

Account Number: 36 48

نامه ها ...

جنگ بی امان علیه بورژوازی و نظام منط اسلامی شد. دنیای فرقه ای و کوچک را باید به حال کسانی که به این دنیا عادت کرده اند واگذاشت و به مسائل و سوالات واقعی انسانهای واقعی پاسخ داد. ما نباید دشمن اصلی و هدف اصلی را گم کنیم. ما نباید سلاح نقد تیز و مارکسیستی را یک لحظه زمین بگذاریم اما همین جنبه و خصوصیت ما باید بدواً متوجه نیروهای بستر اصلی بورژوازی باشد. ما نباید یک ذره تنمان را به توهمات و تبلیغات خودخشنود کن چپ رادیکال بزنیم. همانطور که بدست اشاره کرده ای ما باید نیرویمان را مستقل از مرزهای جغرافیائی منسجم و متحد کنیم و در نقشه ای واحد به جان جامعه بیافتیم. ما فرصت زیاد نداریم اما مسئولیت مان بشدت بالاست. هیچ انسان عاقلی از کمونیستهای این دوره نمیپذیرد در یک شرایط بغرنج مشغول مسائل و سوالات حاشیه ای باشند. در این اوضاع پیچیده اعتراض سوسیالیستی در جامعه خط و رهبری و سازمان میخواد و حزب کمونیستی اگر هسته فشرده در متن این اعتراض سوسیالیستی نباشد، هرچه باشد حزب کمونیستی نیست. دست شما عزیزان را بگرمی میفشارم و بهترین ها را برایتان آرزو دارم.*

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!